



مناجات ترسیدگان

علامه مجلسی در بحار فرموده که من این مناجات را یافتم مروی از حضرت علی بن الحسین علیه السلام در کتب بعضی اصحاب رضوان الله علیهم؛ مناجات سوم: مناجات ترسیدگان

إِلٰهِي أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُنِي

خدایا آیا چنین می نمایی که پس از ایمانم به تو عذابم نمایی؟ یا پس از عشقم به تو از خود دورم سازی،

أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تَحْرِمُنِي أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَلِمُنِي

یا با امید به رحمت و چشم‌پوشی ات محرومم سازی، یا با پناه جویی ام به گذشتت رهایم نمایی،

حَاشَا لَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُحِبِّبَنِي لِئَتِ شِعْرِي أَلْسِقَاءَ وَلَدَتْنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي

هرگز چنین نیست! از ذات بزرگواریت به دور است که محرومم کنی، ای کاش می دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است،



فَلَيْتَهُمَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تُرَبِّنِي وَلَيْتَنِي عَلِمْتُ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي

اگر چنین است کاش مرا نزاده و نپرورانده بود، و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده

وَبُقْرَبِكَ وَجِوَارِكَ خَصَصْتَنِي فَتَقَرَّبِ ذَلِكَ عَيْنِي وَتَطْمِئِنْ لَهُ نَفْسِي

و به قرب و جوارت اختصاص داده ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟

إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوها خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَيَّ مَجْدِكَ وَ

جَلَالَتِكَ

خدایا آیا چهره هایی که در برابر عظمت سجده کنان به خاک افتاده سیاه می کنی، یا زبانهایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می نمایی؟

أَوْ تَطْبَعُ عَلَيَّ قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَيَّ مَحَبَّتِكَ أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلَذَّتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ

یا بر دلهایی که به محبت پیچیده شده مهر می زنی، یا گوشهایی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذت برده ناشنوا می کنی.



أَوْتَعُلْ أَكْفَارَ فَعْتَهَا الْأَمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ

یا دستهایی را که آرزوهای به امید مهرورزی ات به سویت بلند کرده و به زنجیر می بندی،

أَوْتَعَقِبُ أَبْدَانًا عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحَلَّتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ

یا بدنهایی را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی ات لاغر شده مجازات می کنی،

أَوْتُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ إِلَهِي لَا تُغْلِقْ عَلَيَّ مُوَحِّدِكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ

یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده به عذاب دچار می نمایی، خدایا درهای رحمتت را بر یکتاپرستان مبنده،

وَلَا تَجْبُ مُسْتَأْتِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَزَتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تَذِلُّهَا بِمَهَانَةٍ هِجْرَانِكَ

و شیفتگان را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، خدایا جانی را که به توحیدت عزت بخشیدی، چگونه به خواری هجرانت ذلیل می کنی،



وَصَمِيرٌ أَنْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرَقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ

و باطنی که بر دوستی ات پیمان بسته، چگونه به سوز آتشت می سوزانی؟

إِلَهِي أَجْرِنِي مِنَ أَلِيمِ غَضَبِكَ وَعَظِيمِ سَخَطِكَ

خدایا از دردناکی خشمت و بزرگی ناخشنودیت پناهم ده،

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ

ای پرمهر، ای منتگذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبار، ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده پوش،

نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَفُضِيحَةِ الْعَارِ إِذَا امْتَاَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ

به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ رهایی بخش، آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند،

وَحَالَتِ الْأَحْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ

و حالتهای دگرگون گردد و هراسنده ها بهراسند، و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند،



وَبَعْدَ الْمُسِيئُونَ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و بدکاران از آن دور گردند، و به هر کسی برابر آنچه انجام داده جزای برازنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود.